

زکوی یارمی آید نیم باد نوری

از این باد ارمید جوی چراغ دل برافروزی  
حافظ

\*چنین جشن فرخ از آن روزگار\*

# نوروز مسافر هزاره ها

زهرا پیرحیاتی

مقدمه :

هزاران سال است که ایرانیان و کشورهای همسایه و مردمان دورترین نقاط جهان روزهای پایانی سال را با شوق و شوری زیبا وصف ناشدنی به انتظار میهمان فرخنده پی نوروز می نشینند تا مقدمش را گرمی بدارند. در این مقال به خاست گاه این جشن باشکوه و پیشینه ی آن پرداخته و با استناد به متون کهن و شاه نامه سبب پیدایش نوروز را یادآوری می کنیم. و به طور فشرده از آیین گذشته گان و پاس داشت آنان از جشن ها سخن خواهیم گفت. علاوه بر نوروز دو جشن ملی و کهن ایرانیان سده و مهرگان بوده که تا چندی پیش برگزار می گردیده ولی اکنون تنها نام آن ها در خاطره ها باقی است که در مجالی و مقالی دیگر بدان خواهیم پرداخت.

جشنهای ایران باستان به دو دسته تقسیم می شوند: الف - جشن های دینی ب- جشن های ملی جشن های دینی نیز بر دو بخش اند: ۱- گاه انبارها ۲- جشن های ماهانه گاه انبارها: در سال شش گاه انبار وجود داشته است

که هر کدام به مدت پنج روز ادامه داشته و برپایمی شده است. این جشن ها با طبیعت و کشاورزی بسته گی داشته و به عبارتی جشن کاشت و برداشت محصولات کشاورزی بوده است. سابقه ای بسیار کهن داشته به روزگاران پیش از زرتشت تعلق دارد و ایرانیان همواره آن را گرمای می داشته اند.

نخستین گاه انبار نیمه ی بهار و در ماه اردیبهشت هنگام برداشت خرمن و درو کردن غلاتی مانند گندم و جو برپا می شده است دومین گاه انبار نیمه ی تابستان و در ماه تیر هنگام کاشت برنج و ارزن گرفته می شده. سومین گاه انبار : در ماه شهریور هنگام درو و برداشت کشت های تابستانی و علوفه برای دام داران برگزار می شده است. چهارمین گاه انبار: در ماه مهر هنگام کشت محصول زمستانی برپایمی شده. پنجمین گاه انبار: در دی ماه برگزار می شده است و در حقیقت جشن استراحت کشاورزان بوده است. ششمین گاه انبار: در پنج روز پایانی اسفندماه برگزار می شده است که هوا معتدل بوده و کشاورزان برای کشت سال بعد خود را آماده می کردند. (۱) مهم ترین روز جشن گاه انبارها آخرین روز آن بوده است. و در واقع چهار روز نخست جشن های مقدماتی بوده است. بعدها هریک از این شش گاه انبار را هنگام آفرینش یکی از آفریده گان دانسته اند که در طول یک سال پا به عرصه ی هستی نهاده اند: اول: آسمان. دوم: آب سوم: زمین چهارم: گیاه پنجم: جانور. ششم: انسان. مطابق متون زرتشتی اورمزد جهان مادی و مخلوقات را در طول یک سال آفریده است. (۲) به نظر می رسد این به جهت تقارن زمانی با نوروز درهم آمیخته است. (۳) عنصر مهم و هدف اصلی این جشن ها خواندن دعا و نیایش است که موبدان انجام می داده اند و شرکت کننده گان در جشن دست یک دیگر را می گرفته اند و به اصطلاح همزور می گشته اند زیرا موفقیت و کامیابی را در اتحاد و یگانه گی می دانسته اند. مخصوصا بلاهای طبیعی، خشک سالی، سیل، زلزله و طوفان را تنها با همزوری و پشتیبانی از یک

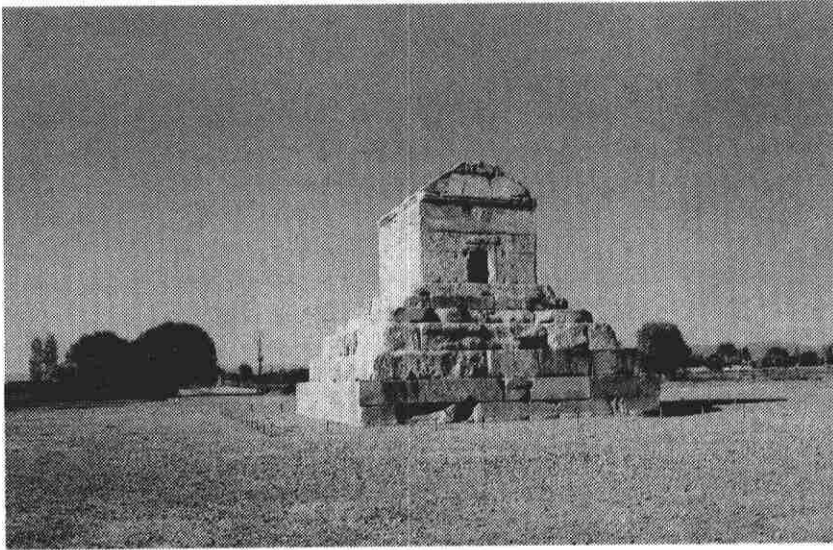
دیگر قابل تحمل می دانسته اند. حضور در گاه انبارها وظیفه ی دینی همه ی مردم بوده و هزینه ی آن را داوطلبانه هر شخص به مقدار توانایی خویش می داده است. عنصر اجتماعی این جشن ها آن بوده است که همه از زن، مرد، پیر، جوان، کودک، دارا، نادر ارباب و رعیت همه یک سان در آن شرکت می کرده اند. همه گی در یک مکان جمع می شده و از یک سفره و از یک غذا می خورده اند و این امر را موجب قوام و همبسته گی بیشتر اجتماعی می دانسته اند. در پایان مراسم باقی مانده خوراکی ها را به خانه افراد مستمند می فرستادند. (۴) جشن های ماهانه :

در گاه شماری زرتشتی ایران باستان هر روز نامی داشته است و هر گاه نام روز با نام ماه یکی می شده به آن مناسبت جشنی برپا می داشته اند. روزهای ماه در این گاه شماری به نام اهورامزدا و ایزدان یا همان فرشته گان آیین زرتشتی است. مثلاً روز نخستین همراه هرمزد د یا اورمزد است که نام خدای یکتا است و به معنای هستی بخش مطلق است. روز ششم ماه خرداد است با این وصف به تعداد ماه های سال جشن های دوازده گانه برپایمی شده است به این شرح: ۱- فرودین گان ۲- اردیبهشت گان ۳- خردادگان ۴- تیرگان ۵- امردادگان - ۶- شهریورگان ۷- مهرگان ۸- آبان گان ۹- آذرگان ۱۰- دی گان- ۱۱- بهمن گان ۱۲- اسفندگان (۵)

جشن های ملی: نوروز - مهرگان - سده

جشن نوروز از جشن های ملی یا جشن های اقوام بومی پیش از آریاییان بوده است. همان طور که فردوسی در شاه نامه بدان اشاره می کند جمشید بنیان گذار نوروز است. بدین صورت که پس از سروسامان دادن کشور و رونق و آبادانی آن فراغت و آرامشی بهشت آسا فراهم می کند. آن گاه تختی مرصع می سازد و بر آن می نشیند و دیوان آن تخت را بردوش حمل می کنند و جمشید رابه آسمان می برند (همواره در متون زرتشتی "جمشید زیبا" وصف می شود) (=۶) او از چهره ای پرفروغ و نورانی برخوردار است و چنان در آسمان می درخشد که گویی خود خورشیدی دیگر است. مردمان همه گی از شکوه خیره کننده اش دچار شگفتی می شوند و از آن جا که تا کنون چنین منظره ای ندیده بودند آن روز را روزی نو می خوانند و از آن پس هر سال روز نخستین فروردین (هرمزد) را جشن می گرفته اند.





همه کردنی ها چو آمد به جای  
 ز جای مهی برتر آور د پای  
 به فرکیانی یکی تخت ساخت  
 چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت  
 که چون خوستی دیو برداشتی  
 زهامون به گردون برافراشتی  
 چو خورشید تابان میان هو ا  
 نشسته بر او شاه فرمان روا  
 جهان انجمن شد بر تخت او  
 شگفتی فرومانده از بخت او  
 به جمشید بر، گوهر افشاندند  
 مران روز را روز نو خواندند  
 سر سال نو هرمن فرودین  
 بر آسوده از رنج روی زمین  
 بزرگان به شادی بیاراستند  
 می و جام ورامش گران خواستند  
 چنین جشن فرخ از آن روزگار  
 به ما ماند از آن خسروان یاد گار (۷)

\*\*\*\*\*

حکیم عمر خیام نیز در کتاب نوروزنامه ی خود می نویسد: "سبب نام نهادن نوروز آن بوده است که آفتاب در هر سال ۳۶۵ شبانه روز و ربعی به اول دقیقه حمل باز آید و چون جمشید آن روز را دریافت نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد."

ابوریحان بیرونی در کتاب "آثار الباقیه عن القرون الخالیه" پیدایش نوروز را به جمشید نسبت داده است. او هم چنین از دو نوروز سخن گفته است یکی نوروز بزرگ دیگری نوروز کوچک. (نوروز عام یا نوروز خاص) زرتشتیان روز ششم فروردین را که در گاه نامه ی پارسیان خرداد نام دارد روز تولد پیامبر خود زرتشت دانسته و آن روز را نوروز بزرگ می خوانند. (۸)

نوروز را از سه دیدگاه نجومی ملی و مذهبی می توان بررسی نمود: از دیدگاه نجومی اول فروردین هم زمان با اعتدال ربیعی است یعنی هنگامی که خورشید روی مدار استوا قرار می گیرد و روز و شب باهم برابراند. روزی که طبیعت از خواب زمستانی بیدار می شود و حیاتی دوباره آغاز می کند. دیدگاه ملی تاریخی آن نیز همان گونه که در بالا بدان استناد نمودیم: فردوسی در شاه نامه آن را جاویدان ساخته و ابوریحان بیرونی و خیام از آن یاد کرده اند. بنیان گذار آن جمشید چهارمین پادشاه اساطیری است.

ایرانیان بعد از اسلام برای پایداری این جشن رنگ مذهبی اسلامی به آن دادند. علامه محمد باقر مجلسی در کتاب سماء العالم آورده است به روایت امام جعفر صادق واقعه ی غدیر خم در این روز بوده است. روایت دیگری از امام صادق نقل شده است که روز اول فروردین روز خلقت آدم (ع) است. و این روز برای برآورده شدن آرزوها روز مبارکی است.

زرتشتیان نیز مراسم جشن نوروز را همواره با جشن برگزار می کنند. آنان پس از دیدن و بازدید به آتشکده می روند و با آداب به خصوصی به ستایش خداوند می پردازند. ذکر این مطلب ضروری است که اصولاً واژه جشن در قاموس زرتشتیان به معنای ستایش و نیایش و پرستش است. و مقصود آنان از برگزاری

جشن همواره ستایش خداوند و نعمت های بی کران او بوده است پادشاهان هخامنشی در روز اول فروردین در تالار آدانا بار عام می دادند. نماینده گان کشورهای خارجی، استادان، دبیران و گروه های اجتماعی مختلف به پیشگاه شاه بازمی یافتند. هدیه می دادند و هدیه می گرفتند. داریوش بزرگ نوروز هر سال به معبد بابل می رفت و دست رب النوع بابل رامی گرفت.

شاهان ساسانی با شکوه فراوان نوروز را جشن می گرفتند و موبدان موبد با سینی بزرگی که در آن نان و سبزی و شراب، انگشتر و شمشیر و دوات و قلم..... بود با اسب به نزد شاه می رفت و شاد باشی با این مضمون به او می گفت: «شاهان به جشن فروردین/ به ماه فروردین/ آزادی گزین بر داد و دین/ کیان سروش آورد ترا دانایی و بینایی و کاردانی/ و دیرزی/ با خوی هژبر شاد باش/ به تخت زرین انوشه خور به جام جمشید و آیین نیاکان/ در همت بلند باش/ نیکو کاری و داد و راستی نگاه دار/ سرت سبز و جوان چون خوید/ اسب ات پیروز به جنگ/

تیغ ات روشن و کاری به دشمن/ بازت گیرا خجسته به شکار/ کارت راست چون تیر/ سرایت آباد/ وزندگی ات بسیار باد."

از زمان ساسانیان رسم بود که بیست و پنج روز پیش از نوروز بر روی هفت ستون گلی غلات یا حبوبات می کاشته اند و معتقد بودند هر کدام بهتر رشد نمود آن محصول در آن سال بهتر خواهد شد. (۹)

خانه تکانی دور ریختن ظروف کهنه و تهیه ی ظروف جدید، بر پایی جشن چهارشنبه سوری و تهیه ی شربت و شیرینی، پوشیدن رخت و لباس نو، خواندن دعا و نیایش برای ارواح در گذشته گان - دید و بازدید -

نوروز که پس از گذر سال ها هم چنان در ایران و کشورهای همسایه و مسلمان برگزار می شود منطقی ترین مبدا برای آغاز سال جدید است و در آن سه جنبه ی نجومی، ملی-تاریخی و مذهبی به چشم می خورد. جشن نوروز دارای آداب و سنن زیبایی است که اگرچه با گذر زمان رنگ و جلایی دیگرگون یافته اما دارای چنان پشتوانه ای از باورهای ریشه دار و پر معنا است که تا جهان و جهانیان برقراراند

این سنت ها زیبا، مانده گار و پایدار خواهد بود. آن چه در جشن های کهن این سرزمین اهورایی دل ها رامی نوازد و آدمی را به تحسین برمی انگیزد آن است که نیاکان پاک دل و نیک آیین ما جشن را وسیله ی لهُو و لعب خود نمی دانسته اند و هدف آنان همواره شکر گزاری از نعمات خداوند بوده است.



هدیه دادن و هدیه گرفتن و چیدن سفره هفت سین (یا هفت شین): آتش و آیینه کتاب مقدس گلاب (پاشی) - نقل سفید - ظرف آب - آویشن - شاخه های سرو و مورد - انار - آجیل - تخم مرغ های رنگی - دانه های سپند - ظرف ماهی - سکه های پول سنجد و سمنو - که اغلب نمادی از فرشته گان اند و مفاهیم نمادین دارند و هر کدام رازی کهن از آیین ها و باورهای هزاران ساله دردل دارند.

بعد از ورود اسلام به ایران، خلفای عباسی جشن نوروز را باشکوه فراوان برگزار می کردند در روزگاردیلمیان و غزنویان و سلجوقیان نیز نوروز و آداب و سنن آن مورد توجه بسیار بوده است و چنان که شاهد هستیم تنها جشنی که در میان صدها جشن از گذر هزاره ها و جنگ ها و ستیزها به حیات خود ادامه داده نوروز است. بی گمان نوروز زیباترین جشن در میان تمام اقوام و ملت های دنیا است و منطقی ترین مبدا برای آغاز سال نوبه حساب می آید. امروزه جشن نوروز به بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی، تا مغولستان در آسیا و مصر و نوبار در آفریقا پیش رفته است. اکبر شاه در سال ۱۵۸۴ در هندوستان نوروز را به صورت با شکوهی برپا ساخت. (۱۰)

نوروز که پس از گذر سال ها هم چنان در ایران و کشورهای همسایه و مسلمان برگزار می شود منطقی ترین مبدا برای آغاز سال جدید است و در آن سه جنبه ی نجومی، عملی تاریخی و مذهبی به چشم می خورد. جشن نوروز دارای آداب و سنن زیبایی است که اگرچه با گذر زمان رنگ و جلایی دیگرگون یافته اما دارای چنان پشتوانه ای از باورهای ریشه دار و پرمعنا است که تا جهان و جهانیان برقراراند این سنت ها زیبا، مانده گار و پایدار خواهد بود. آن چه در جشن های کهن این سرزمین اهورایی دل ها را می نوازند و آدمی را به تحسین برمی انگیزد آن است که نیاکان پاک دل و نیک آیین ما جشن را وسیله ی لهو و لعب خود نمی دانسته اند و هدف آنان همواره شکر گذاری از نعمات خداوند بوده است.

پی نوشت ها:

"یم خشتنه" و در متون پهلوی: yimaxasheata جمشید چهارمین پادشاه پیشدادی شاهنامه در اوستا:

یم شیت نامیده شده است که برخی آن را به معنای جم روشن و برخی دیگر جم شاه دانسته اند. از پادشاهان مشترک قوم هندو اروپایی است که پیشینه آنان به دوران ماقبل تاریخ می رسد وقتی که آنان ساکن آسیای مرکزی هستند و آریاییان که نخستین ساکنین کشور ایران هستند به ایران و بیخ یا فلات کنونی کشور مهاجرت نکرده اند این اشتراکات را می توان در متون ادبی و مذهبی سانسکریت مانند: "ودا" مشاهده نمود اسطوره جمشید در آثار ادبی هند باستان از جمله "ریگ ودا" و حماسه "مهابهاراتا" به زبان سانسکریت نقل شده است که حوادث زندگی او (یم) مانند جمشید پیشدادی و جم اوستایی است. دوران باشکوه پادشاهی جمشید را عصر طلایی نامیده اند زیرا از مرگ و بیماری و کجولت و پیری خیری نیست زمین نیز چندین برابر گسترده گی یافته است. (زرمجو - حسین - قلمرو ادبیات حماسی ایران - ص ۴۲)

(۱) - فرهنگ مهر - دیدی نواز دینی کهن ص: ۱۸۱ - ۱۸۲

(۲) - اوشیدری - جهانگیر - دانشنامه مزدیسنا واژه گاهانبار ص: ۴۰۳

(۳) - کزازی میرجلال الدین - نامه باستان ص: ۲۷۱

(۴) - مهر - فرهنگ - دیدی نواز دینی کهن ص: ۱۸۲

(۵) - همان ص: ۱۸۳

(۶) - رستگار فسائی - منصور - فرهنگ نامهای شاهنامه جلد اول ص: ۳۱۱

(۷) - حمیدیان - سعید - شاهنامه فردوسی ص: ۵۰

(۸) - فرهنگ - مهر - دیدی نواز دینی کهن - ص: ۱۸۵

(۹) - همان ص: ۱۸۸

(۱۰) - همان ص: ۱۸۸

فهرست منابع:

اوشیدری - جهانگیر - دانشنامه مزدیسنا - اب دوم - مرکز - ۱۳۷۸

حمیدیان - سعید شاهنامه فردوسی - چاپ پنجم قطره - ۱۳۷۹

زرمجو حسین - قلمرو ادبیات حماسی - چاپ اول - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۱

رستگار فسائی - منصور - فرهنگ نامهای شاهنامه - چاپ دوم - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۷۹

فره وشی - بهرام - جهان فروری - چاپ اول - دانشگاه تهران - ۲۵۲۵

کزازی - میرجلال الدین - نامه باستان جلد اول - چاپ اول - سمت -

۱۳۸۱ صفا - ذبیح الله - حماسه سرایی در ایران از قدیمی ترین عهد تا قرن چهاردهم هجری - چاپ ششم - امیر کبیر

۱۳۷۹ مهر - فرهنگ دیدی نواز دینی کهن - چاپ پنجم - جامی - ۱۳۸۳



## تبریک نوروزی ما:

آن کس که بهار را،

نوروز را،

هفت سین را،

تو را، و ایران را آفرید ...

هستی را آفرید با تمام خوبی هایش.

بهار، نوروز، هفت سین و آیین های نوروزی ایران

بر شما فرخنده باد.